

بازیگران تئاتر ترامپ در مصر تحقیر شدند

شرم الشیوخ



علی ملکی خبرنگار گروه سیاست

دونالد ترامپ دیگر فقط رئیس‌جمهور آمریکا نیست. او هم بازیگر است، هم کارگردان. خودش سلاح می‌فرشد، خودش مجوز حمله می‌دهد و خودش نمایشی برای صلح ترتیب می‌دهد و همه فن‌های نمایشی خود را روی رهبران کشور های مختلف اجرا می‌کند.

بعد از تل آویو نوبت به شرم‌الشیخ رسید تا میزبان گروه نمایش کاخ سفید به رهبری دونالد ترامپ باشند. جایی که نشست صلح ۲۰۲۵، بیش از آنکه میدان دیپلماسی باشند، به صحنه‌ای برای اجرای نسخه تازه‌ای از سیاست نمایشی ترامپ بدل شد. روز دوشنبه ۲۱ مهر، رهبران جهان در شرم‌الشیخ گرد هم آمدند تا درباره طرح صلح غزه گفت‌وگر کنند؛ اما همه چیز با سه ساعت معطلی آغاز شد؛ سه ساعتی که رهبران کشورهای حاضر، در انتظار ورود رئیس‌جمهور آمریکا سپری کردند. بالاخره ترامپ رسید و سران کشورها پس از سه ساعت معطلی، تک‌به‌تک و به‌نوبت در کنار ترامپ ایستادند و عکس گرفتند. این اتفاق در نشست‌های بین‌المللی بی‌سابقه است و یادآور تحقیر رهبران اروپایی در کاخ سفید برای دیدار و گفت‌وگو با ترامپ درباره صلح اوکراین ونحوه نشستن آن‌ها پشت میز ریاست‌جمهوری بود. ترامپ از ایران هم دعوت کرده بود تا در این نمایش تحقیر آمیز شرکت کند؛ اما دستگاه دیپلماسی آن را رد کرد. برخی معتقد بودند ایران باید تحت هر شرایطی در این نشست شرکت کند و صدای ایران و فریاد رسوایی آمریکا باشد اما ترامپ حتی فرصت صحبت‌کردن به کشورهای همسوی خودش را نیز نداد و تمام‌وقت نشست را به تحقیر و شوخی با سران کشورها اختصاص داد.

استارمرحرف‌بزن!

در بخش معرفی رهبران، وقتی نوبت به بریتانیا رسید، ترامپ پرسید: «بریتانیا کجاست؟» کی‌ری استارمر، نخست‌وزیر این کشور دست بلند کرد و به سمت تریبون رفت، فکر می‌کرد که برای سخنرانی دعوت شده است؛ اما ترامپ فقط گفت: «خوشحالم که اینجا هستید» و استارمر را مجبور کرد چند قدم به عقب برگردد و سسر جایش بایستد. همین چند ثانیه کافی بود تا این صحنه در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شده و نشانه‌ای دیگر از سبک رفتار تحقیرآمیز ترامپ با متحدان سنتی آمریکا نقلی شود.

امارات در قامت پول

وقتی نماینده امارات روی صحنه رفت، ترامپ با لبخند گفت: «یک عالمه پول، پول بی‌نهایت!» تمسخری که در عمل بازتاب همان نگاهی بود که او در طول دوران سیاسی‌اش نسبت‌به‌جهان عرب‌دانشته، یعنی روابط خارجی‌نه‌به‌عنوان ائتلاف‌های استراتژیک، بلکه‌به‌عنوان

از اسلو تا شرم‌الشیخ، اسرائیل به هیچ توافقی پایبند نمی‌ماند

قانون بقای وقاحت

ترامپ در شرم‌الشیخ مصر تفاهم‌نامه آتش‌بس در غزه را «صلح» نامید و مدعی شد بعد از ۳ هزار سال جنگ، اکنون خاورمیانه به این نقطه رسیده است. رئیس‌جمهور آمریکا پیش از مصر به سرزمین‌های اشغالی رفته بود و همین جملات را در کنست تکرار کرد: «تا ابد شاهد صلح خواهیم بود!» پس از ترامپ، نتانیاوه در پشت تریبون قرار گرفت و مدعی شد که «به این صلح پایبند خواهد ماند. نخست‌وزیر بحران‌زوی اسرائیل بعد از جلسه کنست نیز یک مجسمه که نامش را «کبوتر صلح» نهاده بود به ترامپ اهدا کرد. حتی اگر دست صلح رئیس‌جمهور نوبل طلب آمریکا را قبول کرده، مشارکت در جنایت جنگی غزه و حمله نظامی به ایران را هم نادیده بگیریم تجربه تاریخی در شکست پروژه‌های تبلیغاتی صلح را نمی‌شود، انکار کرد.

۳ دهه پیش آمریکا در رویکردی مشابه با آنچه ترامپ امروز پیاده‌سازی می‌کند به عنوان میانجی پیمان اسلو عمل کرد. تبلیغات در مورد اثر این توافق به حدی بود که حتی جایزه صلح نوبل نیز به صورت مشترک به یاسر عرفات، اسحاق رابین و شیمون پرز اهدا شد؛ اما یک ماه بعد از پیمان اسلو ۲، اسحاق رابین ترور شد و همان حقوق حداقلی فلسطین در پیمان اسلو نیز زیر پا گذاشته شد. رویکرد ساده‌لوحانه سازمان آزادی‌بخش فلسطین که یک انتفاضه ۶ساله را بی‌ثمر گذاشت باعث شد تا مردم فلسطین گروه‌های مقاومت جدی‌تری تشکیل داده و برای انتفاضه دوم اسلحه به دست بگیرند. آنچه توافق صلح نامیده می‌شد و چهارچوبی برای تشکیل یک سرزمین فلسطینی هرچند اندک ارائه داده بود خیلی زود توسط همین نخست‌وزیر فعلی اسرائیل زیر پا گذاشته شد و حاصلی جز ۳ دهه جنایت و کشتار علیه مردم فلسطین در پی نداشت. حال ترامپ با یک توافق کلی که حتی جزئیات در مورد آتش‌بس نیز در آن طرح نشده ادعا دارد که به ۳ هزار سال درگیری پایان داده است. توجه به نتیجه توافق اسلو عاقبت ادعاها در مورد پایبندی نتانیاوه به آتش‌بس فعلی را کاملاً آشکار می‌کند. عاقبتی که نامش هرچه باشد پایان یک جنگ چند دهه‌ای نیست.

اولین بازی نوبل بگیرها ۱۹۹۳بود

بعد از یک مقاومت ۶ساله در انتفاضه ۱ مردم فلسطین، آمریکا با هدف جلوگیری از ضربه خوردن به اسرائیل با ادعای صلح‌طلبی، شتاب‌زده میز مذاکره را پیش روی فلسطینیان قرار داد تا هر آنچه را برای مبارزه داشتند، از آن‌ها بگیرد. ادعاهای تبلیغاتی در مورد پایان مناقشه فلسطین اولین‌بار در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ مطرح شد. مذاکراتی که به‌صورت مخفیانه در اسلو، پایتخت نروژ، انجام شد، در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ به پیمان اسلو ۱ منجر شد که البته در کاخ سفید با حضور یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف)، اسحاق رابین، نخست‌وزیر اسرائیل و بیل کلینتون، رئیس‌جمهور

معامله‌ای مالی. مثل همان عبارتی که ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش برای عربستان به کار برد: «گاو شیرده».

بی‌پروایی جنسیتی در مواجهه با ملونی

ترامپ هنگام خوش‌ویش با جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا، گفت: «در آمریکا اگر به زنی بگویید زیباست، زندگی سیاسی‌تان تمام می‌شود؛ اما من ریسک می‌کنم. اگر بگویم شما زیبا هستید، ناراحت نمی‌شوید، درست است؟ چون واقعاً هستید.»

این جمله هرچند با خنده و تشویق برخی همراه شد؛ اما در شبکه‌های اجتماعی آن را به‌عنوان «نمونه دیگری از بی‌پروایی جنسیتی ترامپ» توصیف کردند.

ترکیه را من می‌گردانم!

ترامپ در اشاره به رجب طیب اردوغان گفت: «همیشه وقتی به او نیاز دارم، آنجاست. مردی سرسخت است، به همان سختی که ممکن است، ولی ما دوستش داریم.» ترامپ در ادامه طوری رفتار کرد که انگار اردوغان هیچ کفایت و توان سیاسی برای حل مسائل کشورش ندارد و سعی کرد با تحقیر او، نقش کلاسیکی از قدرت خودش به نمایش بگذارد: «وقتی مشکلی دارند، به من زنگ می‌زنند و من معمولاً آن را حل می‌کنم.»

رئیس‌فیفا در نشست صلح

عجیب‌ترین بخش این نمایش حضور ناگهانی جیانی ایفانتینو، رئیس فیفا بود. او به‌همراه ترامپ با لبخند مقابل دوربین‌ها ایستادند و ترامپ با همان لحن معروفش گفت: «او برای بلیت‌های بازی‌های خیلی گران حساب می‌کند، نه؟» ترامپ در برابر رهبران جهان، در حالی از گرانی بلیت‌ها گفت که قیمت ورود

به نخستین بازی جام جهانی ۲۰۲۶ آمریکا حداقل ۵۶۰ دلار و فینال بیش از ۲ هزار دلار اعلام شده بود رقمی که برای بسیاری غیرقابل دسترس است؛ اما نه برای کسی

که همیشه اصرار دارد «همه چیز را می‌تواند بخرد.»

خوبه نگفتم فرماندارا!

ترامپ «مارک کارنی»، نخست‌وزیر کانادا را «رئیس‌جمهور» خطاب کرد و زمانی که کارنی اشتباه ترامپ را به او یادآوری کرد، با لبخند و تمسخر او مواجه شد: «اوه، گفتم...؟ خوبه حداقل نگفتم فرماندارا!»

یک نوبل از طرف شه‌باز شریف به ترامپ بدهید

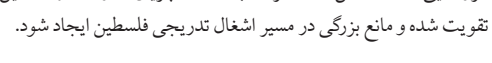
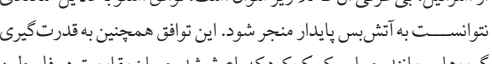
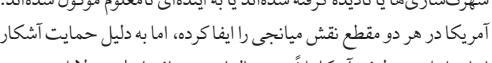
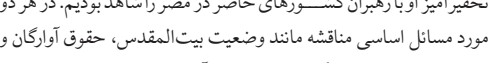
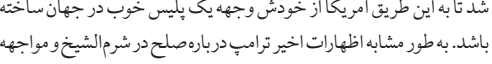
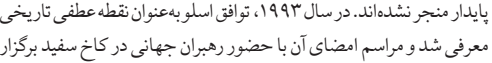
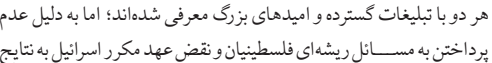
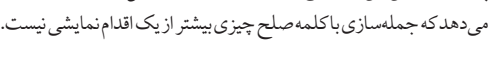
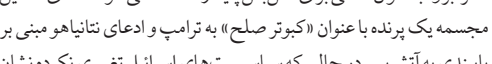
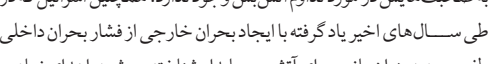
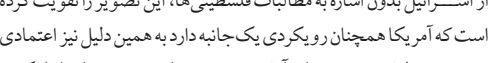
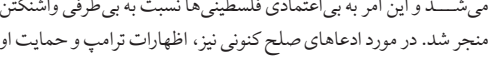
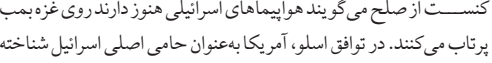
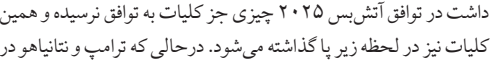
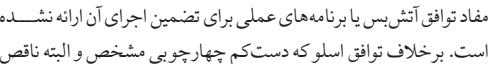
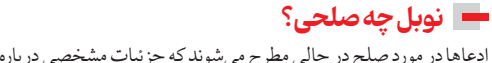
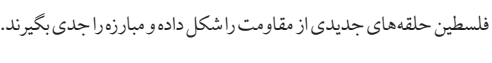
نخست‌وزیر پاکستان، شه‌باز شریف در سخنرانی خود برای چندمین بار با هیجان از ترامپ به‌عنوان «واقعی‌ترین نامزد جایزه صلح نوبل» یاد کرد، بدون آنکه توجه داشته باشد جایزه نوبل صلح اسمال داده و مراسمش هم تمام شد. او گفت: «ترامپ صلح را به جنوب آسیا آورد، میلیون‌ها نفر را نجات داد و حالا با صلح غزه، خاورمیانه را نجات می‌دهد.» اما واکنش ترامپ بلافاصله و برخلاف انتظار بود. او با لبخند گفت: «بیا بریم خونه، دیگه حرفی برای گفتن ندارم.» این واکنش باعث خنده حاضران شد و نشان داد حتی تمجید بیش از حد از ترامپ هم در منطق نمایشی او به‌سوزه استهزا تبدیل می‌شود.

دونالد ناراضی

در پایان نشست، ترامپ گفت: «شما دوستان من هستید، آدم‌های بزرگی هستید. البته چند نفری هستند که از آن‌ها خوشم نمی‌آید، ولی نمی‌گویم چه کسانی هستند! هرگز هم نخواهید فهمید.» صدای خنده حاضران اینجا هم بلند شد؛ در واقع ما دوبار به‌همراه ترامپ با لبخند مقابل دوربین‌ها ایستادند و ترامپ با همان لحن معروفش گفت: «او برای بلیت‌های بازی‌های خیلی گران حساب می‌کند، نه؟» ترامپ در برابر رهبران جهان، در حالی از گرانی بلیت‌ها گفت که قیمت ورود

هنوز هم معتقدید باید به شرم‌الشیخ می‌رفتیم؟

در روزهایی که برخی چهره‌های سیاسی داخلی با اطمینان می‌گفتند باید در اجلاس شرم‌الشیخ حاضر شویم، گویی باور داشتند در آنجا قرار است معجزه‌ای رخ دهد؛ رفع تحریم‌ها، گفت‌وگوی مستقیم با آمریکا، یادست‌کم فرصتی برای رساندن صدای ایران. اما حالا که تصاویر و ویدئوهای نشست منتشر شده، روشن است شرم‌الشیخ نه محل گفت‌وگو بود، نه صحنه مذاکره. آتش‌بس در غزه برقرار نشده و روند تبادل اسرا در جریان است؛ اما آنچه در شرم‌الشیخ برگزار شد چیزی جز یک «نمایش صلح» با کارگردانی ترامپ نبود. بسیاری از رهبران متحد ترامپ در این نشست حاضر شدند؛ اما حتی آن‌ها هم در این سیرک سیاسی جدی گرفته نشدند و دست‌مایه شوخی‌های ترامپ شدند و تنها کاری که از دستشان بر می‌آمد «خندیدن» بود. آن‌هایی که تا دیروز می‌گفتند باید صدای اعتراض ملت ایران را در این اجلاس فریاد بزنیم حالا باید پاسخ دهند در کدام لحظه از این مراسم کسی اجازه حرف‌زدن داشت؟ کافی است ویدئوی چندتایی‌ای رفتار ترامپ با نخست‌وزیر انگلیس را ببینید و از خود بپرسید در این مراسم جز چند تعریف و تمجید از ترامپ و تحقیر و تمسخر دیگران از سوی او چه فرصتی باقی ماند؟ اگر ایران در این بازی شرکت می‌کرد، فقط یکی از سیاهی‌لشکرهای صحنه خودنمایی کسی می‌شد که حتی با متحدانش هم با نهایت طعنه و تمسخر رفتار می‌کند.



برخی منابع می‌گویند ممکن است فردی سفیر ایران در مسکو شود که اعتقادی به روابط استراتژیک دو کشور ندارد

فرصت‌سوزی بزرگ در روسیه؟



زهرا طیبی خبرنگار گروه سیاست

شنیده‌ها حکایت از آن دارد که قرار است کاظم جلالی کلید سفارت‌خانه ایران در روسیه را به مهدی سنایی واگذار کنند. او پیش از این ۵ سال در دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی سفیر ایران در روسیه بود، حوزه تخصصی او روسیه است و به‌تازگی هم از کتابش با نام «نو محافظه‌کاری عصر پوتین، ریشه‌ها و اندیشه‌ها»، رونمایی شده. مهدی سنایی بعد از پایان مأموریت ۵ساله سفارت‌خانه را به کاظم جلالی واگذار کرد. حالا اما گویا دولت‌پزشکیان برای انتخاب سفیر جدید در روسیه به سراغ همان گزینۀ دولت روحانی رفته‌است. سنایی اگرچه در حال حاضر در جایگاه معاونت سیاسی رئیس‌جمهور و در حوزه‌سیاست داخلی مشغول به فعالیت است؛ اما نکته این است که نگاه او به برقراری روابط با شرق و به‌خصوصاً در حوزه روسیه به ایدئو تفکرات وزیر پیشین امور خارجه یعنی محمدجواد ظریف نزدیک است. کمالاتیکه در دوران سفارت او نیز روابط ایران و روسیه در حوزه اقتصادی با گروژدن تعاملات به‌تحریم‌ها و مذاکرات، پیشرفت لازم را نکرد. نکته مهم‌تر آنکه سفیر پیشین در زمره افرادی قرار دارد که اساساً اعتقادی به برقراری روابط راهبردی با روسیه ندارد. حالا نیز این نگرانی وجود دارد که در شرایطی که ایران بیش از گذشته نیاز به تقویت روابط با شرق و کشورهایی از جمله چین و روسیه در تمام حوزه‌های راهبردی دارد، حاکم شدن نگاه‌هایی بر روابط دیپلماتیک ایران و روسیه که منافع و تعاملات دوجانبه را به‌روابط با غرب و تحریم‌های آن‌ها گرومی‌زند و نگاه دست‌چندی به روابط ایران و روسیه دارند، می‌تواند بر تقویت، گسترش روابط و عبور از تعاملات سیاسی صرف، اثر منفی بگذارد.

گره‌زدن تقویت روابط اقتصادی با روسیه به تحریم‌ها

بخش زیادی از حیات سیاسی مهدی سنایی در حوزه روسیه سپری شده است. او در سال‌های ۷۸ تا ۸۲ رابین فرهنگی ایران در روسیه بوده است. در دوران شروع جنگ اوکراین و روسیه، مسئولیت رئیس گروه دوستی پارلمانی با روسیه و اوکراین را به عهده‌داشته است و بعد از روی کار آمدن دولت یازدهم از آذرماه سال ۹۲ تا آذر ۹۸ به‌عنوان سفیر ایران در روسیه مشغول به فعالیت بوده است. در دوران حضور او در روسیه روابط ایران در برخی حوزه‌ها مثل حوزه دفاعی پیشرفت‌هایی داشته اما نکته اساسی این بود که در حوزه اقتصادی که ایران می‌توانست از انتفاعات آن بهره‌بردو از این فرصت استفاده کند، روابط اقتصادی به‌جهت در اولویت قرار نگرفتن روابط با روسیه و موکول کردن آن به رفع تحریم‌ها، پیشرفت چندانی پیدا نکرد. در آن‌بازه تا دوره گذشته همزمان با پایان دولت دوازدهم میزان تعاملات تجاری ایران و روسیه در سطح دو میلیارد دلار متوقف ماندن در حالی که از همان بازه زمانی تا دوره پیش از آن، روابط اقتصادی ترکیه و روسیه به‌رغم وجود چالش‌ها، بین‌سی تا چهل میلیارد دلار بود. دولت وقت با محاسبات خطا و اولویت‌بندی‌های اشتباه، تقویت روابط با روسیه را در اولویت دست‌چند قرار داد در حالی که به‌گفته کارشناسان حوزه روسیه، مسکو حاضر بود مشکلات ارزی و بانکی ایران را حل کند؛ اما این اظهار تمایلات از جانب تیم دیپلماسی چندان جدی گرفته نشد. در حوزه فرهنگی و اجتماعی هم تقویت روابط ایران با روسیه چندان مورد توجه قرار نگرفت و تعاملات مشترک در حوزه توریسم، گردشگری و تبادل دانشجو، رشد چشمگیری پیدا نکرد.

نگاه‌های صفروصدی به روابط با روسیه دردی دوانمی‌کند

یکی از ایرادهای اساسی که‌در حوزه روابط ایران و روسیه محل انتقاد است، نگاه صفروصدی به روابط با روسیه است. برخی نگاه‌ها در داخل کشور یا در منتهی الیه نگاه منفی به روسیه قرار دارند و اساساً حرکت به سمت تقویت روابط با روسیه را برای ایران خسارت‌بار می‌بینند و همچنین معتقدند ایران اول باید منابع را از مسیر غرب بردارد یا در منتهی الیه نگاه مثبت افراطی به روسیه قرار دهند و این کشور به‌مثابه یک دوست و شریک استراتژیک حساب‌باز می‌کنند. هر دو نگاه به یک اندازه خطا و آسیب‌زننده است. به نگاه‌های روس‌هراسانه می‌تواند در راستای منافع ایران حرکت کند و نه حتی نگاه‌های روس پرستانه. آنچه ایران در شرایط فعلی به آن نیاز دارد تقویت روابط با شرق از جمله و سیه در حوزه‌هایی است که انتفاع دو جانبه برای هر دو کشور که تحت تحریم آمریکا و اروپا قرار دارند را فراهم کند. تعاملات ایران و روسیه در دولت یازدهم و دوازدهم متأثر از نگرانه‌های کارشناسانی بود که منفی‌گرایی افراطی به تقویت روابط با روسیه داشتند و مسیر پیشرفت ایران در سیاست خارجی را از برقراری روابط و حل چالش‌ها با غرب دنبال می‌کردند و به همین منظور برقراری ارتباطات عمیق و گسترده با روس‌ها را در اولویت‌های سوم و چهارم سیاست خارجی قرار می‌دادند.

دولت چهاردهم مسیر دولت روحانی را می‌رود؟

در حال حاضر اما روابط ایران با روسیه و غرب شباهتی به روزهای مذاکرات برجامی ندارد. اثری از برجام نیست، مذاکراتی هم با اروپا و یو آفریکادر دستور کار نیست. روسیه و چین به محض فعال شدن مکانیسم ماشه اعلام کردند که این تحریم‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند. وضعیت شهر آشوب جهان، این فرصت را در اختیار ایران قرار داده که از انزوای بین‌المللی خارج شود و شرکای مشترکی پیدا کند که در دستشکی مثل تحریم دارند و می‌تواند با کمک آن‌ها تحریم‌ها را دور بزند. ایران در حال حاضر نیز به ایدئو سیست‌وزیری هوشمندانه در برقراری روابط با روسیه دارد و در داشتن موانع و فرصت‌ها به مسیر سفارت‌خانه می‌گذرد. طبیعتاً در این موقعیت نمی‌شود با نگاه‌های ساده‌انگانه حاکم‌پزایده‌های وزیر پیشین، روابط ایران و روسیه را پیش برد. خبرهایی که حکایت از انتصاب مهدی سنایی به‌عنوان سفیر ایران در روسیه دارند این نگرانی را تقویت می‌کند که اشتراک انتخابی دولت روحانی و دولت‌پزشکیان در انتصاب سفیر روسیه به این معنی است که نگاه هر دو دولت نسبت به روابط با روسیه یکسان بوده و قرار است سفیر جدید با زهم مسیر غفلت و کم توجهی به روابط ایران و روسیه را در پیش بگیرد یا این را نقایطی ماهوی و جدی در عملکرد سنایی ایجاد خواهد شد و یا نگاهی ناشی از تغییرات بین‌المللی و معنیتی که ایران و روسیه در آن قرار دارند، با ایلده روشن پیش خواهد رفت.

یک پل ارتباطی قوی را انتخاب کنید

سفیر هر کشور به نوعی پل ارتباطی مؤثر میان روابط دو کشور است. هر اندازه که این پل ارتباطی، جلبدن و ریزینی در تقویت و مستحکم شدن روابط دو کشور را جدی ببیند، گام مؤثری در تقویت روابط دو جانبه بر خواهد داشت و هر اندازه که تقویت این روابط با نگاه‌های سطحی و دچار سهل انگاری شود، به همان اندازه روی روابط دو کشور سایه می‌اندازد. موضوعی که در این رابطه مورد توجه قرار دارد این است که روابط ایران و روسیه باید مسیری روبه جلور اتخاذ کرده و به سمت تقویت و گسترش روابط پیش از گذشته حرکت کند و سؤالی که در این رابطه وجود دارد این است که سفیر پیشین ایران در روسیه می‌تواند این گام‌ها را با درک تقویت روابط با شرق بردارد؟